

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی

۳۰ جنوری ۲۰۱۲

شکار و شکارچی

هر موجود زنده در طبیعت تلاش می کند به شکلی از اشکال بر پیشبرد و بقای زندگی خود راه هائی را جست و جو نماید تا از آن طریق بتواند موجودیت خود را حفظ کند. ما می بینیم زمانی که یک شکارچی و شکارمورد نظر با هم روبرو می شوند، هر دو یعنی شکار و شکارچی به یک دیگر روی منفعتی که غضب و نابودی یکی توسط دیگری را در بر دارد، به هم علاقه نشان می دهند و کوشش می کنند به همدیگر هر چه بیشتر نزدیک شوند. شکارچی به خاطراین که تیرش به خطا نرود و مستقیم به هدف اصابت کند سعی می ورزد تا هر چه بیشتر خود را به طعمه نزدیک بسازد و به عکس شکار هم به خاطر دفاع از خود و به هدف این که خود بتواند به آسانی بر شکارچی حمله ور گردد و وی را خود شکار نماید، سعی می ورزد تا با نگاه های دوستانه و مظلومانه هر چه بیشتر فاصله بین خود و شکارچی را کمتر بسازد تا مگر بتواند با یک حمله خود را از شر شکارچی نجات دهد و به این ترتیب هر کدام خود را آماده به پیروزی می سازند. پس دیده می شود که نزدیکی و دوستی شکار و شکارچی فقط بر مبنای بقای زندگی آنها نیست.

در این جا صحبت از قانون طبیعت نیست. قانون طبیعت را فقط می توان در دنیای حیوانات مشاهده نمود. چون در دنیای حیوانات بقاء زندگی در میان است. طبق قانون طبیعت یکی مجبور است دیگری را نابود کند.

در دنیای سرمایه قسمی که قبلا از شکار و شکارچی تذکر رفت بین امپریالیسم و قدرت های دولتی زر پرست که پول را قبله خود ساخته اند دوستی و نزدیکی به وجود می آید و از هیچ نوع همکاری با همدیگر علیه خلقها دریغ نمی ورزند و اما روزی می رسد که بالاخره منجر به نابودی یکی توسط دیگری می گردد. ما متوجه هستیم که از زمان پیدایش سرمایه به این سو انسانها توانسته اند روش ها و وسایل جنگی جدیدی را اختراع نمایند و آن را در دسترس سرمایه داران قرار دهند و آنها با به کار بستن همان روشها و وسایل جنگی توانسته اند دنیا را دگرگون و خلق ها را سرکوب نمایند و آنها فقط جهت حفظ منافع غارتگرانه و اعمال قدرت دامنشانه خود، آنچه حیات و زنده است به نیستی و نابودی سوق می دهند.

امپریالیسم جنایتگستر امریکا این "قهرمان" مخرب از سالیان زیاد بدینسو در صدد است به هر قیمتی که شده حاکمیت استعماری و استثمار خود را در جهان برقرار سازد. مانند شکارچی درنده خوی درمواقع حساسی که خود و منافع خود را در خطر می بیند، در جست و جوی شکار می افتد. ابتداء با شکار مورد نظر روی اهداف پلان شده و مشخص خود دست به ایجاد دوستی و مراوده می زند و با کمک های اقتصادی در ساحات نظامی و خارج از آن آنقدر به تقویه آنها می پردازد تا بتواند آنها را در انحصار مادی خود بیاورد. این تقویت مادی تا سرحدی ادامه می یابد تا بتواند از آنها حکومت استبدادی و خود کامه ای که منجر به دیکتاتوری ها در جهان می شود، به وجود بیاورد.

این دیکتاتور ها با به دست آوردن اقتدار نظامی و مادی و جهت حفظ آن که جز اندیشیدن به منافع خود و اقلیت کوچکی از جامعه که با تمام هست و بود، خود را در خدمت دیکتاتور ها قرار می دهند، حاکمیت استبداد، بی قدرتی سیاسی خلق ها ، برقراری قانونی که خود وضع می کنند، ترور خلق ها خود و را حاکم بر سرنوشت خلق می سازند تا به این ترتیب توانسته باشند در تصامیم و قرار داد ها ی خائنانه با امپریالیستها که فروش منافع ملی خلق ها در میان است، مانع به وجود نیاید و در زمینه بتوانند جلوی خواسته های به حق مردم را سد شوند.

اما دوستی و مراوده این دو پدیده نابود کننده تا زمانی ادامه می یابد که منافع همدیگر را تأمین کنند در غیر آن تخطی و نافرمانی دیکتاتور ها در این ساحه، عصیان امپریالیسم درنده خوی را به طغیان می آورد. ابتداء به هزار بهانه و توطئه خلقها را علیه دیکتاتور ها تحریک می نماید و شورش را در جامعه بر پا می کند تا خود بتواند ابتکار عمل را جهت نابودی آنها در دست بگیرد. همین است که حملات نظامی خود را متوجه سرزمین ستم دیدگانی که در طول عمر دیکتاتور ها جز استبداد و وحشت حاصل دیگری در زندگی نصیب آنها نگریده، می نمایند. آنچه دار و ندار یک جامعه است به نابودی میکشانند و این مرتبه حاکمیت دیکتاتوری را برقرار می سازند که در خیانت به کشور و مردم خود از دیکتاتور قبلی سبقت بسته وبدون قید و شرط در خدمت جهانخواران باشد یعنی دیکتاتور ساخته و پرداخته خود شان.

این جا است که به صراحت می توان گفت که امپریالیسم جهانی به هر قیمتی که شده آفت می آفریند تا خود از آن منفعت ببرد.

" اما سؤال در این جا است : در صورتی که امپریالیسم جنایتگستر امریکا و متحدینش به خود اجازه می دهند که دست به تمام جنایات در جهان بزنند چرا دیکتاتور ها نی؟؟؟"